

خرده میدان کردستان عراق، عرصه رقابت میدان‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه

محمد رضا عبدالله پور^۱

دکتری تخصصی علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

محمد اخباری

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکز، ایران

محمد کرمی راد

دانشجوی دکتری سیاست دفاعی و امنیت ملی، دانشگاه امام حسین (ع)، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

چکیده

ترکیه و ایران دو کشور مهم و تاثیرگذار در منطقه هستند که هر کدام مصالحی برای خود دارد و می‌خواهد نفوذ خود را در منطقه بیش از دیگری پیش ببرد. تقریباً در هر جایی که ایران حضور دارد، ترکیه نیز تلاش کرده حضوری از خود نشان دهد. ایران و ترکیه به اقتضای ملاحظات ژئوپلتیکی در سالیان گذشته تعاملات و تقابلات ژئوپلتیکی فراوانی در میدان‌های منطقه‌ای با یکدیگر داشتند. به همین دلیل بررسی جامع و کامل این روابط در سال‌های گذشته نسبت به مناطق پیرامونی و همجوار بدون بررسی جامع و کامل روابط این دو مولفه امکانپذیر نخواهد بود. در واقع درک صحیح ملاحظات سیاست ژئوپلتیکی ایران با کشور ترکیه مستلزم بررسی ملاحظات سیاستگذاری ژئوپلتیک خارجی این کشور است، چرا که این کشور یکی از مهم ترین همسایگان کشور محسوب می‌شود و در حال حاضر نیز حجم قابل توجهی از ظرفیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به این کشور اختصاص دارد. بنابراین فضای تقابل ژئوپلتیک دو کشور با توجه به نگرش فوق نوعی تخصیص ژئوپلتیکی نرم را به خصوص در حوزه‌های بکر اقتصادی - سیاسی را برای دو کشور خلق نموده که مناطق منطقه شمال عراق از اهم میدان‌های منازعه می‌باشند. با این نگاه، تحقیق پیش رو علاوه بر مفهوم سازی واژگان ماکرو شامپ (کلان میدان) و میکرو شامپ (خرده میدان)، با نگاهی ژئوپلتیکال که متغیرهای قومی - اقتصادی و نظامی را در بر میگیرد نقاط مثبت و منفی، تعاملات و چالش‌های پیشروی ایندومولفه جغرافیایی را حوزه مناطق کردنشین بررسی و فرضیه خود را که تقابل در میدان‌های منطقه‌ای با نگاه ژئوپلتیک است را اثبات می‌نماید.

واژگان کلیدی: ایران، ترکیه، منازعات ژئوپلتیک، میدان‌های منطقه‌ای

مقدمه

ترکیه به عنوان کشوری با موقعیت خاص ژئوپلیتیکی با راهبردهای حزب حاکم عدالت و توسعه در سالیان اخیر و با کنش در سیاست‌های منطقه‌ای متأثر از دکترین نرم افزاری داود اوغلو، مدل موفق از اقتصاد و دموکراسی اسلامی در عراق به طور کلی و کردستان عراق به طور اخص، تقابلاتی را با ایران در این خرده میدان مهم بازی داشته است. ایران به عنوان کشوری با تمدن و فرهنگ باستانی، موقعیت جغرافیایی-اقتصادی راهبردی مهم و نیروی انسانی عظیم و ترکیه به عنوان یک کشور مهم اوراسیا با اقتصاد روبه رشد در حال ادغام در اقتصاد جهانی و در روند رو به عضویت در اتحادیه اروپا، دارای اشتراکات تاریخی، فرهنگی، دینی و اجتماعی زیاد هستند که تعامل، نزدیکی و پیوند به اوضاع سیاسی و اقتصادی منطقه داده و تاثیر پذیری منطقه از نیروهای فرامنطقه‌ای را کاهش دهد، یا این تاثیر پذیری را در راستای روند منافع و همکاری‌های دوجانبه هدایت کند. در همین راستا است که بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، ترکیه سعی کرد هر نقشی که ایران از دست داده همان نقش را ایفا کند. راهبرد سیاسی متعارض ایران و ترکیه که تا حد زیادی در ساختارهای سیاسی - ایدئولوژیک آنها ریشه دارد در نحوه نگاه آنها به جهان غرب نمود پیدا می‌کند. در حالی که دولت جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با جهان غرب تا حد زیادی تابع شعار ضد غربی بوده و ضمن داشتن تعارضات عمیق با آمریکا و برخی متحدان استراتژیک آن مثل اسرائیل، شاهد تنش‌های مستمر با دولت‌هایی اروپای غربی بوده است، برعکس دولت ترکیه در روابط خود با جهان غرب تا حد زیادی تابع رویکرد غرب گرایانه کمالیستی بوده و ضمن داشتن روابط نزدیک با آمریکا و حتی همراهان استراتژیک آن مثل اسرائیل، با جدیت تمام در پی عضویت در اتحادیه اروپا و شناخته شدن به عنوان یک کشور اروپایی بوده است. بنابراین فضای تقابل ژئوپلیتیک دو کشور با توجه به دو نگرش فوق نوعی تخصم ژئوپلیتیک نرم را به خصوص در حوزه‌های بکر اقتصادی - سیاسی را برای دو کشور خلق نموده که منطقه شمال عراق از اهم میدان‌های منازعه می‌باشند. عقب نشینی نیروهای آمریکائی از عراق، یک خلاء قدرت بوجود آورد که ایران و ترکیه در صدد پر نمودن آن می‌باشند. ستیزهای فرقه ای در عراق بین شیعیان، سنی‌ها و کردها بوجود آمده و ایران و ترکیه طرف‌های درگیری در آن می‌باشند.

روش‌شناسی تحقیق

میدان ژئوپلیتیک مفهومی جدید در جغرافیا

نظریه میدان یک واژه به عاریت گرفته شده از نظریه الکترومغناطیس است که در آن جذب و دفع صورت می‌گیرد (Hess, 1970). و از آنجا که منطقه اقلیم کردستان عراق و هویت آن در حوزه جزر و مد میدان‌های منطقه‌ای قرار دارد از این واژه استفاده می‌گردد (عبداله پور، ۱۳۹۰: ۸۷). میدان بر خلاف واژگان مترادف خود تنها مانند (Realm, territory, era, spherefield)، عرصه صرف (action) نیست، بلکه توامان عرصه (action & reaction) می‌باشد. همانطور که در خوانشی هابرماسی از عقلانیت مدرن، زیست جهان (Life world) که مرکز عقلانیت تفاهمی است در مقابل سیستم (system) که مرکز عقل تک گفتاری است، قرار می‌گیرد در میدان مطمع نظر ما (dialogue) به جای

(monologue) می‌نشیند و همین رجحان واژه میدان بر عبارات دیگر است. بوردیو یک میدان را مجموعه‌ای از جهان کوچک (microcosm) در یک جهان بزرگ (macrocosm) می‌داند (Bourdieu, 1998). بنابراین در این تحقیق ما کردستان عراق را یک خرده میدان (micro champ) در میدانی کلان‌تر (macro champ) ایران و ترکیه و عراق می‌نامیم. در نگاه بوردیو، میدان فضایی با موقعیت‌های هدفمند است که بوسیله افراد، گروه‌ها و یا نهادها بوسیله توزیع ترکیبی سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نمادها، تعیین می‌گردد (Bourdieu, 1993, 72). بوردیو میدان را شبکه‌ای از روابط می‌داند که، جدا از آگاهی و اراده‌ی فردی، میان جایگاه‌های عینی درون میدان وجود دارد. اشغال کنندگان جایگاه‌های این شبکه، هم می‌توانند عوامل انسانی باشند و هم نهادهای اجتماعی.. بوردیو می‌گوید میدان قدرت (سیاست) تا حدی میدان‌های دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اگرچه هیچ میدانی بر میدان‌های دیگر تفوق ندارد.

بوردیو در مباحثی که در مورد میدان‌ها مطرح کرده است از قوانین ثابت یا مکانیسم‌های عمومی بحث می‌کند که ویژگی ساختاری همه میدان‌هاست:

- میدان‌ها عرصه مبارزه و کشمکش هستند. کنش گران در درون میدان‌ها، هم بر سر کنترل و به انحصار خود در آوردن منابع ارزشمند یا انواع سرمایه‌ها، و هم بر سر تعیین اینکه چه چیزهایی باید به عنوان منابع و کالاهای ارزشمند در درون میدان‌ها محسوب شود با یکدیگر به مبارزه می‌پردازند. این نوع مبارزه خصوصاً در میدان‌های فرهنگی که در آن دانش‌ها و سلیقه‌ها به سرعت در حال تغییر هستند شدیدتر است (Swartz, 1996: 7).

- میدان‌ها نوع خاصی از مبارزه و رقابت را به کنش گران تحمیل می‌کنند. «بدین معنا که همه کنش‌گرانی که وارد بازی می‌شوند باید با قواعد بازی‌اشنا باشند و واقعیت‌های اجتماعی بازی را بپذیرند» (Mckeeret & Miller, 2004: 1179؛ به نقل از موسوی، ۱۳۷۸، ۴۳)

- میدان‌ها دارای استقلال نسبی هستند. و میزان استقلال نسبی هر یک از میدان‌ها متفاوت است.

- اصول اساسی روش شناختی حاکم بر میدان‌ها که از استقلال نسبی میدان‌ها ناشی می‌شود یعنی تقدیمی که بوردیو به تحلیل درون میدان‌ها می‌دهد. بوردیو معتقد بود که تأثیرات عوامل بیرونی همیشه قابل تبدیل به منطق درونی میدان‌هاست و عوامل بیرونی تأثیرگذار، همیشه از طریق ساختار و نیروهای درونی میدان‌ها عمل می‌کند (Ihlen, 2007: 278).

هرچه یک جامعه تمایز یافته‌تر باشد و به لحاظ فناوری پیچیده‌تر باشد ما با میدان‌های متنوع‌تری برخورداری هستیم. حدود مرزهای میدان‌ها نامشخص و در حال تغییر هستند. کنش‌های اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی براساس قواعد اجتماعی شکل می‌گیرند، اما قواعد روشنی برای انجام چنین کنش‌هایی وجود ندارد. در این‌جاست که صحبت از عادت واره به میان می‌آید. عادت واره، ساختار ساخته شده و سازنده را شامل می‌شود. این ساختار همراه با وضعیت گذشته و حال فرد ساختارمند است. از طرفی سازنده است از آنجا که عادت واره فرد به شکل گرفتن کنش‌های حال و آینده‌ی او کمک می‌کند. عادت واره‌ها مولد کنش‌ها، باورها، تمایلات و احساسات هستند. کنش نتیجه‌ی رابطه‌ی

بین تمایلات شخص و جایگاه او در میدان است. در بحث عادت واره و میدان، مابه این نتیجه می‌رسیم که این دو با یکدیگر رابطه متقابل دارند، زیرا میدان، عادت واره را می‌سازد و از طرف دیگر عادت واره موجب شکل‌گیری میدان به صورت جهانی معنی‌دار می‌شود. بنابراین میدان و عادت واره یک رابطه دیالکتیکی با یکدیگر دارند. در هریک از تصمیم‌گیری‌های ما، عادت واره و میدان نقش عمده‌ای دارند. این عادت واره‌ها هستند که چگونگی کنش و احساس ما را مشخص می‌کنند. در تمام تصمیم‌گیری‌ها، گذشته‌ی ما همراهان است و خود را در عادت واره و میدان نشان می‌دهد.



شکل (۱) میدان‌های منطقه‌ای محاط بر خرده میدان کردستان عراق

منبع: نگارندگان

سازه‌های ایدئولوژیک متعارض، چالش بار شده بر منازعه ژئوپلیتیک دوکشور

باید عنوان نمود، ترکیه یک متحد مهم غرب در خاورمیانه است که نتولیرالیسم و خصوصی‌سازی و همگرایی با کاپیتالیسم غربی در آن دیده می‌شود، در حالیکه که ایران طرح‌های راهبردی خود را در تعامل با جنبش‌های ضد غربی و اسرائیلی مانند حزب اله می‌بیند (Ayman, 2012, 20). در حالی که ایران نظام سیاسی ماهیتی دینی و اسلامی دارد و جهت‌گیری کلی کشور در حوزه سیاست داخلی و خارجی بر مبنای آموزه‌های اسلامی تعیین می‌شود، نظام سیاسی ترکیه با الگوپذیری از لائیتیسسه در غرب به تفکیک ساحت دین از سیاست تمایل داشته است. رهبران ترکیه نسبت به نقش آفرینی دین در سیاست رویکرد مثبتی ندارند. نظام سیاسی ترکیه حتی رشد اسلام سیاسی را تهدیدی برای موجودیت و تمامیت خود می‌دانند (امیری، ۱۳۸۴: ۲۶۴). این روند را حتی می‌توان در حزب اسلام‌گرای AKP و هراس آن از جنبش فتح اله گولن مشاهده نمود. گرچه در AKP می‌توان آثاری از بذل توجه به طریقت نقشبندی البته با نگاه سیاسی را رصد نمود (ولاتی آزاد، شماره ۳۶، مهر ۱۳۸۶، ۷۸).

بنابراین میان ماهیت نظام سیاسی ایران (دینی) و نظام سیاسی ترکیه (لائیک) تاثیر بازدارنده‌ای بر توسعه روابط دو طرف در سال اخیر داشته است.

همبستگی سیاسی در روابط کشورهای منطقه بدین معنی است که نظام‌های حکومتی و رژیم‌های سیاسی تا چه اندازه موجب همبستگی و انسجام و یا عامل بازدارنده همبستگی هستند و تا چه میزانی مشابه و مکمل یکدیگر

می‌باشند و آیا نخبگان تصمیم‌گیرنده و دیوانعالی رتبه اجرایی نسبت به مسائل بین‌المللی دیدگاه مشترکی دارند یا خیر (ازغندی، ۱۳۸۳: ۳۸).

رسالت دستگاه حکومتی و تمام نهادهای رسمی و غیررسمی ایران مبلغ و مروج و عامل گسترش باورهای دینی و تقویت روحیه اسلامیت می‌باشند، در حالی که دستگاه حکومت ترکیه در تلاش برای کنار زدن اسلام از فضای حیات جمعی و مدنی و پیوند دادن مشروعیت سیاسی به حاکمیت عمومی است. هر چند که انقلاب ایران به اسلام‌گرایی در منطقه به طور عام و ترکیه به صورت خاص جان تازه‌ای بخشید، ولی اسلام در ترکیه، (اسلام صوفیانه و اخلاق‌گرا) است و سیاسی شدن آن نیز پیامد بازخوانی آموزش‌های دینی در پرتو ایدئولوژی امروزی است (کسرایی، ۱۳۷۶: ۲۳). عوامل زیر می‌توان در مورد تفاوت‌های ساختارهای سیاسی - ایدئولوژیک این مورد اشاره کرد:

۱- نظام دینی اسلامی در ایران، نظام لائیک در ترکیه.

۲- اداره‌ی کشور در ترکیه توسط احزاب، در ایران توسط رهبری هدایت و مدیریت می‌شود.

۳- داشتن دیدگاه امنیتی - آسیایی نخبگان ایرانی - داشتن دیدگاه واقع‌گرایی - اروپایی توسط نخبگان ترکیه.

۴- آزادی بیان در ترکیه و جدایی دین از سیاست در ترکیه، در ایران سیاست عین دیانت است.

۵- حاکمیت و قدرت در ایران تحت نظر و کنترل روحانیت، حفاظت و پاسداری نظام در ترکیه توسط نظامیان و احزاب صورت می‌گیرد.

با نگاهی به نرم‌افزار سیاسی - ایدئولوژیک ترکیه متوجه می‌شویم که ساختار سیاسی - ایدئولوژیک ترکیه با ساختارهای سیاسی - ایدئولوژیک اسلام‌محورانه جمهوری اسلامی ایران، متعارض است. همان‌طوری که سکولاریزم برای ساختار اسلام‌محور جمهوری اسلامی ایران، چالشی اساسی تلقی می‌شود، اسلام‌محوری نیز خطر بزرگی برای ساختار سکولار جمهوری ترکیه به حساب می‌آید. امروزه مشکل دولت ترکیه با اسلام از سطح سازگاری یا ناسازگاری اسلام با سیاست فراتر رفته است. تقاضای ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا با یک مشکل بزرگ فرهنگی مواجه است (قنبرلو، ۱۳۸۶: ۷). به علاوه درجه‌ای از آسیب‌پذیری در کشورهای همسایه کردستان، از توسعه و پیشرفت این منطقه، دیده می‌شود. این آسیب‌پذیری، ناشی از اتصال این دولت‌ها بر پایه‌های ایدئولوژیک است، کمالیسم یا پان‌ترکیسم در ترکیه، پان‌عربیسم حزب بعث در سوریه و پان‌شیعیسم در ایران. این پایه‌های فکری این کشورها را در معرض خطر تغییرات داخلی و خراجی قرار می‌دهد (Rafaat, 2007, 289). همچنین رقابت ایران و ترکیه در انتخابات سیاسی عراق نیز کاملاً مشهود است. در حالیکه ایران در انتخابات از احزاب شیعی حمایت می‌کند، ترکیه از احزاب سنی و سکولار مانند لیست العراقیه دفاع می‌کند (Kane, 2011:56). البته پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، توسعه روابط با ایران بیشتر مربوط به منافع اقتصادی و معضل‌کردها بوده تا مسائل ایدئولوژیک و مذهبی (F.larrable, nader, 2013:2). به طور کلی باید عنوان نمود که سازه‌های فکری احزاب مسلط در کردستان عراق مانند حزب دموکرات، اتحادیه میهنی و جنبش تغییر، سکولار می‌باشند و احزاب

اسلام‌گرا مانند جماعت اسلامی نیز مدل ترک‌ها را می‌پسندند، بنابراین سیاست‌های ایران در زمینه جذب و تعامل با احزاب کردی، در مقایسه با ترک‌ها و علیرغم ظرفیت‌های عمیق تاریخی، نژادی و فرهنگی، ضعیف می‌باشد (خانپور و عبدالله پور، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳).



شکل شماره (۲) خرده میدان کردستان عراق، میانه میدان کردستان بزرگ و کلان میدان‌های منطقه‌ای

<http://isnstitutkurde.orghttp://commomns.wikimidia.org>

جغرافیای اقتصادی، میدان بازی دو کنشگر منطقه‌ای

ظهور حوزه جدید کردستان عراق، پس از فرو پاشی حزب بعث، فرصت‌های بزرگی برای دو کشور پیش آمد تا بخشی از برنامه شکوفایی اقتصادی خود را در این منطقه به کار گیرند و از این جا بود که رقابت اقتصادی دو طرف نمود عینی تری به خود گرفت (قنبرلو، ۱۳۸۶: ۱۴). ترکیه برای ایفای نقش منطقه‌ای (کانال همکاری‌های اقتصادی) را بهترین خط مشی می‌داند، لذا دولتمردان این کشور سعی دارند از طریق گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری در قالب طرح‌های مختلف همکاری‌هایی اقتصادی منطقه‌ای با مرکزیت و ابتکار ترکیه مانند طرح همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه، طرح همکاری‌های اقتصادی بالکان و پروژه خط لوله صلح، ضمن اجتناب از ایجاد حساسیت سیاسی میان رهبران کشورهای منطقه، زمینه لازم را برای نزدیکی سیاسی این کشورها به خود را فراهم نمایند (انصاری، ۱۳۷۳: ۳۱۹).

هرگاه از همبستگی اقتصادی چند کشور یا دو کشور سخن به میان می‌آید منظور موضوعاتی چون ۱- نوع نظام اقتصادی و مشابهت آنها با یکدیگر ۲- مکمل بودن اقتصاد کشورها ۳- ویژگی الگوی تجارت خارجی ۴- چگونگی توزیع منابع اقتصادی در منطقه می‌باشد. حال سوال این است که آیا در بررسی روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه این چهار ویژگی را می‌توان ملاحظه کرد و به تبع آن از همگرایی سخن راند یا خیر؟ در شکل اروپایی همزیستی و همگرایی اقتصادی، از میان چهار فاکتور ذکر شده، عمدتاً بر مکمل بودن اقتصادها، تاکید دارد حال آنکه نه تنها بین ایران و ترکیه، بلکه بین ایران و هیچ یک از کشورهای عضو اکو اشتراکات و مشابهت‌های به چشم نمی‌خورد. اقتصاد مکمل یعنی تولید انبوه، تنوع کالا در سطح منطقه، به نحوی که کشورهای محدوده معینی

بیش از آنکه برای تامین نیازمندی‌های خود به خارج از منطقه توجه داشته باشند، خود قادر هستند بخش مهمی از نیازهای یکدیگر را در داخل منطقه تامین نمایند. به عبارت دیگر هرگاه نظام‌های اقتصادی دولت‌ها مشابه و سمت و سوگیری بازرگانی خارجی درون منطقه‌ای باشد به همگرایی دوجانبه یا چند جانبه کمک می‌کند(نای، ۱۹۷۱: ۷۹). در تئوری و عمل اختلافات فاحشی بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در نوع نظام اقتصادی و چگونگی اداره کشور وجود دارد. در ترکیه دولت حامی سرمایه داری صنعتی و مالی است، در ایران با یک دولت تحصیل دار و متحد بورژوازی تجاری روبرو هستیم. در ایران ولایت در راس هرم قدرت و بالاترین شخصیت سیاسی سیاسی کشور است و طبق اصل یک صد و دهم قانون اساسی در کنار وظایف قانونی خود، تعیین سیاست‌های کلی نظام را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و هم چنین نظارت بر حسن اجرای سیاست‌هایی که مقام رهبری تعیین کرده است به عهده دارد (مدنی، ۱۳۷۰: ۴۳۴-۴۳۵).

به طور کلی در مورد عوامل عمده محدودیت‌های عمده اقتصادی موثر در روابط ایران و ترکیه به مسائل ذیل اشاره کرد:

وابستگی دو کشور به اقتصاد بین الملل و اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ اقتصادی بالاخص آمریکا در منطقه، رقابت دو کشور برای نفوذ هرچه بیشتر اقتصادی در خاورمیانه، عدم استفاده کامل از شبکه‌های ارتباطی، عدم خود کفایی تکنولوژیکی و صنعتی و فنی دو کشور، ناهمگونی در هم تکمیلی اقتصادی. یکی از عوامل بسیار مهم در روابط بازرگانی دو کشور ایران و ترکیه که موجب کندی تجارت گردیده، ناهمگونی اقتصاد دو کشور در هم تکمیلی اقتصاد یکدیگر می‌باشد (ازغندی، ۱۳۸۲: ۳۳).

مکمل نبودن اقتصاد دو کشور، نه تنها باعث می‌شود تا با یکدیگر روابط تجاری کمتری داشته باشند. به نحوی که در بازارهای جهانی رقیب یکدیگر می‌شوند. البته باید گفت که پس از سرنگونی حزب بعث، آمریکایی‌ها جنگ را برند، ایرانی‌ها، صلح را و ترک‌ها قراردادهای تجاری را (dombey, 12march, 2013). اوزگور آلتوک، اقتصاددان ترک که منطقه اقلیم کردستان به دلیل منابع غنی نفتی رشد می‌کند و در نتیجه تقاضا برای کالای ترکی نیز بیشتر می‌شود. در حال حاضر، پیمانکاران ترک حدود ۵/۳ میلیارد دلار تنها در عرصه ساخت و ساز در کردستان عراق سرمایه گذاری نموده‌اند، ۸۰٪ کالاهای در دسترس کردستان عراق، ساخت ترکیه و ۱۲۰۰ شرکت فعال ترک در کردستان عراق و در بخش‌های ساختمان و اکتشاف نفت فعال می‌باشند (Iarrable, 2010:325). این منافع تا به جایی دو جانبه است که در مارس ۲۰۱۳، حکومت اقلیم کردستان عراق برای عرضه مستقیم نفت و گاز مستقیم به ترکیه، بدون تصویب حکومت مرکزی عراق، یک قرارداد نفت و گاز با ترک‌ها منعقد نمود (Ulgen, 2013:39). و شاید همین تنها راه اتصال ترانزیت انرژی کردستان عراق یعنی خاک ترکیه باشد که رویکردهای خصمانه ترکیه به استقلال کردها پس از بحران داعش و تجزیه عراق را تعدیل نموده است. توسعه قابل ملاحظه نسبت به تقویت روابط میان انکارا و منطقه اقلیم را می‌توان در مشی ترک‌ها برای یکپارچگی اجتماعی و اقتصادی با منطقه اقلیم دانست (Interview with AydinSelcen). معاملات خطوط لوله گاز و نفت در ماه مه ۲۰۱۲ بین ترکیه و اقلیم با هدف ساختن یک خط لوله

اختصاصی با ظرفیت انتقال ۱ میلیون بشکه در روز و در خط کرکوک به جیحان به امضاء رسید. به گفته کنسول ترکیه در اربیل، ۵ بانک، ۱۷ مدرسه و ۶۰۰ شرکت ساختمانی در کردستان عراق مشغول فعالیتند (Interview with AydinSelcen). در حقیقت، کردستان عراق به یک بازار عمده برای صادرات ترکیه تبدیل گشته است (Haaretz, 29 July 2012). به علت تمرکز بسیار بر اقتصاد و علیرغم تنش‌های محدود بین ترکیه و اسرائیل، کماکان بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکیه، اسرائیل می‌باشد (Hurriyet daily news, June 30, 2011).

رقابت در عرصه جغرافیای نظامی - امنیتی

مسئله سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران و ترکیه روی ارگان‌های نظامی - امنیتی صرفاً در جهت مهار تهدیدات امنیتی از سوی یکدیگر نیست. هر دو کشور در محیط امنیتی نسبتاً بی‌ثباتی قرار دارند و به طور کلی ساختار ناامن حاکم بر روابط منطقه‌ای آنها عامل عمده سوق دهی دو کشور به سمت سرمایه‌گذاری‌های کلان روی بخش‌های نظامی بوده است و همین مسأله، اجرای پروژه‌های رفاهی - اقتصادی را در هر دو کشور به ویژه ایران با موانعی جدی مواجه ساخته است. با این حال در جهت مطرح شدن به عنوان قدرت نظامی برتر منطقه‌ای نوعی رقابت ضمنی میان این دو کشور وجود داشته است.

در دوران حکومت پهلوی، ایران و ترکیه برای مدتی در قالبی دو پیمان دفاعی بغداد و سنتو متحد نظامی همدیگر بودند، اما پس از اضمحلال این پیمان در جریان انقلاب اسلامی ایران شرایط دگرگون شد و از آنجا که ایران از اردوگاه جهان غرب خارج شده بود، بحث ورود به پیمان‌های مشابه بغداد و سنتو (که هر دو در راستای سیاست نفوذ کمونیسم از سوی آمریکا منعقد گردیده بودند) متفی شد و فضای رقابتی در روابط دو کشور پر رنگ تر گردید (قنبرلو، ۱۳۸۶: ۱۶). یکی از موارد تنش‌زا در فعالیت نظامی دو طرف ورود ترکیه به پیمان‌های نظامی با اسرائیل بوده است که از اواسط دهه ۱۹۹۰ مطرح گردید. همکاری نظامی ترکیه با اسرائیل نگرانی‌های عدیده‌ای را برای دولت ایران به وجود آورد. به ویژه که همکاری سه کشور برای ایجاد سپر ضد موشکی توازن قدرت منطقه را به نفع اسرائیل و ترکیه سنگین تر می‌سازد. تا سال ۲۰۰۰ و پیش از به قدرت رسیدن جرج بوش برنامه‌های آمریکا، اسرائیل و ترکیه برای توسعه مکانیسم (همکاری سه جانبه ضد بالستیک) وارد مرحله جدی تری شد آنها با استقرار سیستم دفاع موشکی ضد بالستیک در منطقه می‌توانند تهدید حملات موشکی همسایگانی چون ایران را خنثی نمایند. این سیستم بیشتر از اینکه در راستای منافع ترکیه باشد، در راستای منافع استراتژیک آمریکا و اسرائیل است (قنبرلو، ۱۳۸۶: ۱۷). با توجه به همسایگی ترکیه با ایران اهمیت این قرارداد برای اسرائیل کاملاً نمایان می‌شود. در واقع این قرارداد تشریفاتی نیست، بلکه قراردادی است استراتژیک با ابعاد وسیع که اگر لازم باشد براساس آن اسرائیل قادر خواهد بود، برای تامین امنیت خود اهدافی را در ایران مورد حمله قرار دهد (روشندل، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

جغرافیای قومی، عاملی واگرا در ژئوپلتیک دو کشور

واگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور و در آن زمینه‌های بحران بوجود می‌آید (قوام، ۱۳۷۰، ۲۲۹). از سوئی فرایند واگرایی در ساختار جغرافیای قومی و سیاسی، مستلزم عناصر

مختلفی است که می‌توان مهم‌ترین آنها را، تعارض فرهنگی، دینی و ایدئولوژیکی، تعارض منافع ملی در امور منطقه‌ای نظیر توسعه نفوذ در مناطق دچار خلاء قدرت به جهت هژمونی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و وجود سازه‌های ائتلافی رقیب و یا مداخله که می‌تواند برخی از اعضای ائتلاف را جذب و باعث از هم پاشیدگی آن شود، امید (حافظ نیا، قربانی نژاد و جان پرور، ۱۳۹۱: ۶۱). از همه مهمتر می‌توان رقابت اقتصادی که منعکس کننده تلاش جوامع و دولت‌های سرمایه داری برای جذب بیشتر بازار محصولات، نیروی انسانی و مواد خام ارزانتر است (قوام ۱۳۸۵: ۲۳۵). با نگاهی به عناصر فوق و تعداد شرکت‌های اقتصادی ترکیه در کردستان عراق و قراردادهای نفتی آن، متوجه می‌شویم رقابت اقتصادی، میدان مهم رقابت، میان ایران و ترکیه می‌باشد.

به دنبال اولین تقسیم کردستان در سال ۱۵۱۴، (hassanpour, 1993: 53) بیشتر قسمت‌های کردستان در اختیار عثمانی‌ها قرار گرفت و نظر به مذهب رسمی عثمانی‌ها، کردها به کیش سنی‌گرائی ترک‌ها ولی با گرایش شافعی مذهب درآمد و با توجه به هم کیش بودن، عثمانی‌ها سخاوت بیشتری نسبت به روسای کرد داشتند تا صفویان (احمدی، ۱۳۷۸: ۸۷). گرچه در بسیاری از قسمت‌های کردستان، طریقت‌های نقشبندی و قادری روابطی تناقض نما را با سلاطین عثمانی برقرار نمودند. و همین طریقت‌ها علاوه بر اینکه بذر اولین حرکات ناسیونالیسم مذهبی کرد را برپا کردند، در خدمت سیستم جاسوسی ترک‌ها و مبارزه با قیام‌های ملی نیز برآمدند (ولاتی نازاد، ۱۳۸۱، ۷۵). در طرف مقابل حکومت‌های شیعی در ایران علیرغم پیوندهای مشترک نژادی و فرهنگی با کردها به دلیل عدم تساهل مذهبی، کردها را رفته رفته از خود دور و طرد نمودند. اما در دوران معاصر، یکی از عواملی که به شدت فضای روابط ایران و ترکیه را در سال‌های پایانی قرن بیستم تحت تاثیر قرار داد تحرکات برخی از عناصر و عوامل در ترکیه در باره دامن زدن به گرایشات جدایی طلبانه در مناطق ترک نشین ایران و بالعکس فعالیت‌های جدایی طلبانه ایران در مناطق کردنشین ترکیه بود. مساله اولی به طور خاص در چارچوب تلاش برای تحریک شهروندان آذربایجان ایران به مخالفت با حکومت مرکزی و نزدیکی به ترکیه صورت می‌گیرد. موضوع کلیدی که باید به آن توجه داشت این است که در صورت بندی عوامل فرصت ساز و چالش زای موثر بر روابط دو کشور یک واقعیت اساسی وجود دارد و آن این که مجموعه عوامل فرصت ساز بیش تر عواملی بالقوه هستند که تبدیل آنها به عواملی بالفعل برای تاثیر گذاری مثبت بر روابط ایران و ترکیه مستلزم وجود زمینه‌ها و عوامل دیگری از جمله وجود اراده مثبت در مقامات دو کشور برای توسعه روابط متقابل است. طبعاً فقدان این اراده یا وجود نوعی بدبینی نسبت به ارتقای سطح روابط دوجانبه موجبات بی اثر یا کم اثر شدن عوامل فرصت ساز مذکور را فراهم خواهد کرد. حتی در پاره ای موارد در صورت عدم نقش آفرینی عوامل مکمل می‌توان انتظار داشت که برخی فاکتورهای به طور بالقوه فرصت ساز، کارکردی معکوس پیدا کرده و به عوامل و پارامترهایی تهدیدزا تبدیل می‌شوند (امیری، ۱۳۸۴: ۲۶۶) چنان چه بازیگری مجموعه ملاحظات طرف مقابل را در چارچوب سیاست‌های مداخله جویانه تفسیر کند، ممکن است فاکتور همجواری و همسایگی را صرفاً زمینه ای برای افزایش مداخلات بازیگر مقابل در امور داخلی خود تلقی نماید. در چنین شرایطی این فاکتور ژئوپلیتیکی تاثیر تهدید آمیز و نه فرصت سازی خواهد داشت (امیری، ۱۳۸۴:

۲۶۶). از این جهت بار دیگر تاکید می‌شود که عمده عواملی که به عنوان متغیرهای فرصت ساز در روابط ایران و ترکیه مورد اشاره قرار گرفت مانند عنصر قرابت ژئوپولیتیکی و برخورداری از میراث فرهنگی و تاریخی مشترک عوامل بالقوه ای به حساب می‌آیند. آنکارا همیشه از این ترس داشته که PKK، از حلاء قدرت در شمال عراق و ارتفاعات قندیل استفاده کند (Kuruturk, 29/April/2012). بنابراین منافع ترکیه به خصوص پس از ۲۰۰۸، در به حدکثر رساندن نفوذ منطقه‌ای خود و اعمال کنترل در این منطقه است. این سیاست را می‌توان در گفتمان‌های مقامات ترک مشاهده نمود. از سال ۲۰۰۸ مقامات رسمی ترک، منطقه اقلیم کردستان را در کردار (deed) و نه در جملات (words)، به رسمیت شناخته‌اند (Erdogan, 30/September/2012).

رقابت دو کشور در میدان ژئوپلیتیک کردی

رقابت ترکیه و ایران در کردستان عراق بر سر هژمونی منطقه‌ای است. هژمونی که نه جبر، بلکه با اجماع بدست می‌آید (Rogers, 1982:21). هژمونی منطقه‌ای در دولت‌هائی دیده می‌شود که قدرت کافی را برای تسلط بر دول تابع داشته باشند (Burgess, 1989:65). از سوئی هژمون منطقه‌ای، روابطش با هژمون جهانی شکل می‌گیرد، چرا که دخالت هژمونی جهانی به باز قدرت یا تخریب پروژه‌های هژمون منطقه‌ای کمک می‌نماید (Ibid).

درمورد ترکیه باید اذعان نمود که یکی از متغیرهایی که سیاست داخلی و خارجی این کشور را از زمان فروپاشی امپراطور عثمانی تاکنون به شدت تحت تاثیر قرار داده است، مساله کردها است. این متغیر هم در تعیین الگوی تعامل سیاسی در داخل ترکیه و هم در تعیین الگوی شیوه رفتاری آن با سایر واحدهای سیاسی نقش مهمی ایفا نموده است. ترکیه در جهان اسلام یک نقش محوری دارد و سیاست خارجی آن یک نقش به غایت فعال را در توجه جهان به آن بخود اختصاص داده و می‌توان گفت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شده است (Fuller, 2007). ترکیه به عنوان همسایه بخش کردنشین عراق و سوریه، بدلیل سکونت بخش اعظم اقلیت کردان کشور در مناطق شرقی و در جوار مرزهای این دو کشور همواره از تاثیرات فرامرزی کردهای منطقه بر امنیت ملی خود احساس خطر کرده و مهمترین استراتژی خود را قطع ارتباط گروه‌های معارض کردباشتیبانان قومی خود ترسیم نموده و به مرحله اجرا گذاشته است. از سوی دیگر ترکیه همواره در روابط خود با عراق از اقلیت‌های ترکمن عراقی به عنوان وزن‌های درمقابل کردهای مخالف و در روابط خود با سوریه از کارت آب به عنوان یک عامل بازدارنده بر علیه سوریه و عدم استفاده سوریه از کارت کردها استفاده نموده است. از اینرو تشکیل کردستان بزرگ و یاهرگونه نظام فدرالی مبتنی بر قومیت در کشورهای همجوار و از جمله عراق و سوریه، بزرگترین کابوس برای این کشور محسوب می‌شود. بنابراین ترکیه نگرانی افزایش مطالبات کردهای ترکیه، به دلیل قدرت گرفتن کردهای دو کشور مذکور است. بنابراین سیاستگذاران خارجی ترکیه یکی از دغدغه‌های خود را پس از تشکیل جمهوری جدید ترکیه در سال ۱۹۲۴ همواره تغییر ساختار سیاسی در کردستان عراق و به حاشیه راندن و همانند سازی کردهای عراق و سوریه با فشار بر این دولت قرار داده‌اند، گرچه این همانند سازی توسط دولت سوریه، با سیاست تعریب و کمربند عربی صورت گرفته است (Lowe, House, 2006: 3) کما اینکه حزب کارگران کردستان ترکیه به مثابه قویترین اپوزیسیون کرد این کشور

نیز پایگاه‌های خود را در مناطق منطقه اقلیم کردستان و مناطقی در کردستان سوریه قرار داده است. به دنبال نا آرامی‌های سوریه، ترکیه به عنوان حامی اصلی اپوزیسیون سیاسی - نظامی این جریان عربی - سلفی و نه کردی، نقشی عمده را ایفاء نموده است که علاوه بر حل مشکل همیشگی استان هاتای که به صورت تاریخی مورد مناقشه دو کشور بوده است، از حزب کارگران کردستان ترکیه نیز در سوریه و مناطق کردنشین آن برای همیشه خلع ید نماید. از سوئی نیز با نفوذ بیشتر در مناطق کردنشین عراق، مجاری نفوذ نیروهای حزب کارگران کردستان ترکیه را به سوریه مسدود نماید (عبداله پور، سایت تحلیلی کردها، ۱۳۹۲). بنابراین کردفویبای دولت ترکیه به عنوان پاشنه آشیل امنیتی آن در سیاست‌های منطقه‌ای این کشور در ارتباط با کردهای عراق و سوریه است. کردستان عراق به دلیل شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، جغرافیای آسیب پذیر، عدم ثبات سیاسی و همسایگی آن با کشورهای اقلیت‌های کرد را در خود جای داده و روابط نه چندان دوستانه‌ای را در قرن بیستم با آنها داشته‌اند به حوزه‌ای استراتژیک برای کشورهای همسایه به خصوص ایران و ترکیه تبدیل گردیده است (عبداله پور، ۱۳۸۹: ۶۵) نظر به اینکه منطقه شمال عراق بنا به هم مرز بودن آن با ترکیه و حاکمیت دو فاکتو مستقر در آن از اهمیتی شاید مهمتر از حکومت مرکزی عراق برخوردار باشد بنابراین منطقه خود مختار کردنشین عراق از نقاط تلاقی ژئوپلیتیک دو کشور در این تحقیق در نظر گرفته شد. از سوئی کردستان عراق در حوزه کشت و رانش ۳ حوزه فرهنگی و تمدنی، ایرانی، عرب و ترک قرار دارد (عبداله پور، ۱۳۹۰: ۱۱۵) که این امر اهمیت استراتژیک منازعه را برای دو کشور مشخص می‌سازد. در تعیین نوع روابط میان حکومت منطقه‌ای کردستان عراق و ترکیه عوامل مهم ژئوپلیتیکی مانند وجود ذخائر نفتی در کردستان، مرز مشترک کردستان عراق با کردهای ترکیه، حضور اقلیت ترکمن در شمال عراق و سرچشمه گرفتن منابع اصلی تامین کننده آب مورد نیاز عراق نقشی بسزا دارد. ترکیه پس از سال ۹۱ و حاکمیت دو فاکتوی کردهای عراق، همواره با چالش تاسیس خودگردانی در شمال عراق و تاثیر آن بر ترکیه، رو برو بوده است (Olson, 1996: 3).

ترکیه طی سال‌های اخیر با اتخاذ سیاست ترکی سازی مناطق هم مرز در شمال عراق از طریق حمایت از اقلیت ترکمن تلاش دارد تا از این طریق پنجره‌ای به داخل عراق برای نظارت و تاثیر گذاری بر فرایندهای سیاسی اسن منطقه بگشاید (مقصودی، ۱۳۸۲، ۹۴) ترکیه به شدت نگران آینده عراق و تجزیه این کشور و تشکیل یک حکومت مستقل کرد در جوار مرزهای جنوبی خود که اکثریت ساکنان آن دارای اشتراکات قومی، نژادی و تاریخی با ساکنان کردستان عراق هستند می‌باشد (Olson, 2004: 115 - 120). از سوئی تاسیس دولت مستقل کرد در شمال عراق را باعث به خطر افتادن وحدت ارضی خود می‌داند (Stansfield, 2005: 20). جلوگیری از تشکیل یک همسایه مستقل کرد و محافظت از ترکمان‌های عراق از دیگر حساسیت‌های ترک‌ها نسبت به همسایه مستقل کرد در جنوب مرزهای خود می‌باشد (Gunter & Yavuz, 2005: 122) گمرک ابراهیم خلیل در شمال کردستان عراق، شاه‌رگ اقتصادی منطقه است که کامیون‌های ترکیه از آنجا کالاها، تولیدات و مواد خوراکی را به منطقه سرازیر می‌کنند. تجربه نشان داده است در صورت هر گونه بحران، ترک‌ها، کردها را به بستن مرز تهدید کرده‌اند (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۱۷۳) با توجه به

نکات فوق باید خاطر نشان ساخت که محور نگاه ترکیه به دولت کنونی عراق، جلوگیری از احیاء مقوله فدرالیسم و تشکیل دولت کرد در شمال عراق با ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی است. ترکیه خواهان آنست که در دولت جدید عراق، کردها تسلط مستقیم بر کرکوک و موصل نداشته باشند. در واقع ترکیه با یک دیدگاه متناقض نسبت به دولت عراق مواجه است، زیرا از یکسو خواهان استقرار دولتی ضعیف در بغداد است که حاکمیتی نیرومند در شمال عراق نداشته باشد که مانع مداخلات و تجاوزهای ترکیه در این منطقه نشود و از سوی دیگر، استقرار دولتی ضعیف در بغداد را عاملی برای تقویت کردهای شمال عراق می‌داند. به عبارت دیگر، این کشور در پی استقرار دولتی در بغداد است که در برابر مداخلات ترکیه فاقد قدرت مانور در برابر تمایلات واگرایانه کردها، دارای قدرت برخورد و تحرک باشد. به طور کلی از منظر جغرافیای سیاسی، عوامل مهم ژئوپلیتیک که در تعیین نوع روابط میان کردستان عراق و ترکیه نقش به سزا دارند و عوامل اصلی توجه ترکیه به شمال عراق هستند، شامل:

۱. وجود ذخایر نفتی در شمال عراق
 ۲. وجود مناطق کردنشین در دو سوی مرزهای این کشورها
 ۳. حضور اقلیت ترکمن در شمال عراق
 ۴. سرچشمه گرفتن منابع اصلی تأمین کننده آب مورد نیاز عراق از خاک ترکیه
- به دنبال پیروزی AKP و متاثر از دکترین سیاست خارجی داوود اوغلو یا عمق استراتژیک (strategic depth)، سیاست آنکارا، نیاز به تعامل با کشورهای است که تاریخ و جغرافیای مشترک با آنکارا داشته و باید یک منافع مشترک در پرتوی گفتگوهای سودمند بین آنها بوجود آید (Davotuglu, AUC cairo, 12march 2012). عمق استراتژیک به نقش ترکیه در خاورمیانه می‌پردازد و در درجه اول به منافع استراتژیک ترکیه در صلح مبتنی بر ثبات، امنیت و رفاه از طریق قدرت نرم اقتصادی می‌پردازد. یکی از نکات مورد توجه در نظریه عمق راهبردی به حداقل رساندن مشکلات ترکیه با همسایگان است، به همین دلیل ترکیه به بحران‌های محیط پیرامون، فرصت وار می‌نگرد (charountaky, 2012: 198). در این حال دیگر نمی‌توان از پیمان‌های استراتژیک و گرایش‌های همسو ایران و ترکیه بر علیه گرایش‌های گریز از مرکز کردها نام برد. پس از بحران سوریه و با توجه به ابعاد کردی سیاست‌های سوریه ترکیه (عبداله پور، ۱۳۹۲) نه تنها ترک‌ها، یک حکومت فدرال و حتی کردستان مستقل سرشار از نفت و گاز را آنتی تزی در مقابل اعراب شیعی و ایران می‌دانند بلکه با درگیر نمودن کردهای سوریه و کمک‌های انسانی pkk به آنها در صدد تضعیف گروه‌های مبارز کرد هستند (تا قبل از بحران سوریه، بسیاری از کردهای سوریه‌در صف pkk با ترک‌ها مبارزه می‌کردند). در دگر سو، ایران با سیاستی منفعلانه و سستی در میدان کردی منطقه، کماکان رویکردهای کلاسیک خود را در قبال احزاب مسلط کردستان عراق، دنبال و حتی حاضر به گفت و گو با احزاب اپوزیسیون کرد داخل مستقر در کردستان عراق جهت امتیاز گیری نمی‌باشد.

در خصوص منافع و منازعه ایران با ترکیه در عراق به طور کلی و شمال عراق به طور اخص باید گفت از بین کشورهای همسایه کردستان، ج.ا.ا با مساله کردستان مشکلات کمتری داشته است، چرا که کردها اساساً خود را

اریایی و مفتخر به قرابت نژادی با کردها هستند (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۵). لیکن ایران پس از جنگ دوم جهانی، تجربه‌های ناخوشایندی از مساله کردستان را در حافظه دارد و همواره از کنش‌های بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه نگران بوده است. حجم و عمق این تآثر ناشی از نیت متفاوت و بعضاً متعارضی است که قدرت‌های خارجی پیگیری می‌کنند (سریع القلم، ۱۳۷۶: ۱۵۸) احزاب اصلی کردهای عراق با حکومت ایران (سابق و امروز) رابطه‌ای مبهم و دوگانه داشته‌اند. به حکومت‌ها اعتماد نداشتند و در دوره‌هایی با یکدیگر دشمن می‌شدند. برای مثال، کردهای عراق در زمان قیام بارزانی در ۱۹۷۵-۱۹۷۴ به کمک ایران متکی بودند که پس از آنکه شاه از حمایت‌اش از کردها در آستانه توافق با صدام بر سر اختلاف در مرز مشترک شط‌العرب دست کشید، این وابستگی به هم خورد. دوباره در دهه ۱۹۸۰، در زمان جنگ ایران و عراق، احزاب کرد به قیام متوسل شدند تا با فرصتی رژیم عراق را برای بهتر کردن روابط خود با کردها تحت فشار قرار دهند که در نهایت صدام شورش آنها را در شمال عراق سرکوب کرد. زمانی که شانس موفقیت آنها پائین آمد و بر اثر مواجهه با مبارزه ضد شورش صدام و همچنین بر اثر حملات شیمیایی دچار آوارگی و نابودی بیشتر روستاها و شهرهایشان شدند و هزاران کرد به دار آویخته شدند، آنها دوباره به طرف ایران روی آوردند (CGI, see Human Right watch, 2004). ایران نیز به خاطر منافع استراتژیک‌اش از کردها حمایت کرد - از شورشیان کرد در اواسط دهه ۱۹۷۰ پشتیبانی مالی کرد - تا از آنها به عنوان اهرم فشار علیه بغداد بر سر سازش در مورد شط‌العرب استفاده کند و آنها را وارد یک عملیات مشترک نظامی در منطقه حلبچه در مارس ۱۹۸۸ کرد تا از فشار عراق در جبهه جنوبی بکاهد. اکنون در عراق پس از صدام، رابطه دو گانه کردها با ایران و نیز حکومت عراق (که در آن رهبران کرد پست‌های مهم دارند) ادامه دارد. رهبران کردها بر این باورند که به وجود آمدن یک فرصت طلایی و بی‌نظیر برای بدست آوردن خود مختاری و استقلال در شمال عراق نه تنها موجب شده با مقاومت سختی از سوی بغداد مواجه شوند بلکه نگران این نیز هستند که ایران در پی سنگ‌اندازی بر سر راه تحقق آرمان‌های کردهاست (زیبا کلام و عبداله پور، ۱۳۸۸: ۵۲) مقام‌های حزب دموکرات کردستان و حزب میهنی کردستان بارها بر ضرورت حفظ روابط خوب خود با تهران تأکید کرده‌اند و از کمک‌های ایران به کردها پس از حملات شیمیایی صدام به حلبچه در مارس ۱۹۸۸ و نیز پس از سرکوب شورش کردها در آوریل ۱۹۹۱ قدردانی کرده‌اند (گفتگوی گروه بحران، تهران، ۲ اکتبر ۲۰۰۴). یکی از مقام‌های حزب اتحادیه میهنی کردستان گفت "ما نه می‌توانیم ایران را نادیده بگیریم و نه می‌توانیم با آنها دشمنی کنیم. در گذشته زمانی که همه علیه ما بودند آنها به ما کمک کرده‌اند. ما نمی‌خواهیم هیچ مشکلی با ایران داشته باشیم (CGI, 2 November 2004). از سوی دیگر، آنها نشان دادند که نیت خوب ایران نسبت به کردها را درک کرده‌اند که بر اساس انتظاری است مبنی بر اینکه کردهای عراق برای استقلال خود فشار نیاورند و هم‌تایان کرد خود در ایران را برای فشار جهت استقلال بیشتر تحریک نکنند (October – November, 2004.SGI, I). ایران در اوایل دهه ۱۹۹۰ بخشی از متحد تاکتیک با سوریه و ترکیه بود تا وجود کردهای حامی ایالات متحده در شمال عراق را مهار کنند و روابط نزدیک کردها با آمریکا را بر هم بزنند. ایران در عین حفظ منافع استراتژیکی‌اش در شمال عراق به کردها خاطر نشان می‌سازد که از چه چیز می‌توانند دفاع

کنند و در این راه از اهرم‌های زیادی استفاده کرده است. از یک طرف روابط اقتصادی خود را با کردها گسترش می‌دهد و از سوی دیگر عملیات اطلاعاتی خود را به اجرا درآورده و به شکلی از شورشیان اسلام گرا همچون انصارالاسلام حمایت می‌کند (سخنگوی دولت منطقه‌ای کردستان ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷). باری ایران، همسو با کشورهای همسایه، مواضع غیر دوستانه‌ای را با کردهای عراق اتخاذ نموده به طوری که می‌توان به اظهارات سفیر ایران در ترکیه در آوریل ۲۰۰۶ در خصوص هشدار نسبت به تشکیل کردستان بزرگ اشاره نمود (BBC, 28 Feb., 2006). تجارت مرزی از زمان سقوط رژیم بعث رونق گرفته است و سرمایه‌گذاری‌های ایرانیان در شمال عراق در حال گسترش است به ویژه در منطقه سلیمانیه، گفته می‌شود قراردادهای ساخت و ارتباطات با شرکت‌های خصوصی ایران منعقد می‌شود به طوری که منطقه آزاد کیش با کردستان عراق جهت مبادلات دو جانبه یک تفاهمنامه همکاری امضاء کرده است (New agency irna, 30, April 2007). کردهای عراق همچنین به واردات گاز ایران وابسته‌اند (saber, 10 may, 2002). رهبران کردها از این سرمایه‌گذاری استقبال کرده‌اند و این توسعه و پیشرفت در شمال عراق را تشویق می‌کنند ولی اظهار نگرانی کرده‌اند که آژانس‌های اطلاعاتی ایران به طور معمول در افراد ایرانی که در این زمینه قرارداد می‌بندند نفوذ دارند.

همان طور که یکی از تحلیل‌گران نیز معتقد است در طول مدتی که اتحادیه میهنی و حزب دموکرات، کردستان عراق را تحت قواعد منطقه پرواز ممنوع اداره می‌کردند، ایران همواره به عنوان یک بازیگر مثبت در سیاست‌های کردهای عراق مطرح بود (لیدیا خلیل، ۲۰۰۷). گرچه ایالات متحده در تلاش برای کاهش نفوذ ایران در عراق، تضعیف روابط ایران با کردها را در دستور کار خود قرار داده و در ژانویه ۲۰۰۷ پنج کارمند ایرانی را ربود، اما مقامات رسمی کرد نیز نسبت به بازداشت نیروهای ایران توسط آمریکایی‌ها اعتراض نشان داده و آنرا غیر قانونی اعلام کردند (James glanz, 2007). از سوئی همانطور که گالبرایت می‌گوید ایران به صورت تاریخی از کردهای عراق حمایت کرده است (olson, 2004) در عوض کردهای عراق فعالیت اپوزیسیون کرد ایرانی بر علیه ایران را در طول مرزها ممنوع اعلام کرده‌اند (accessed September 7, 2006). ترک‌ها در دهه‌های اخیر، ایران را در مظان اتهام و کمک به حزب کردستان ترکیه قرار داده‌اند. این حمایت‌ها پس از سال ۲۰۱۱ رو به فزونی گذاشته است. در این راستا ایران نیز با یک سوگیری جدید در مسائل کردها، در باز تعریف سیاست ترکیه به سوریه تلاش می‌نماید (F.larrable, nader, 2013, 2). خیلی از اعراب، ترکیه را به عنوان یک مدل موفق سیاسی با رشد اقتصادی بالا می‌دانند و در تلاشند آن را در دستور کار سیاسی اقتصادی خود قرار دهند. ایران نیز از اینکه تنها کشور مسلمان در منطقه و در عناد با آمریکا است، مفتخر است و لی ترکیب یک ایدئولوژی انقلابی و ناسیونالیسم ایرانی با امیال منطقه‌ای ترکیه در تعارض است. امیالی که تعبیر به نو عثمانیگری می‌شود گرچه مقامات ترک همیشه این واژه و سیاست را رد نموده‌اند (Ibrahim, kalin, November 26, 2009).

نتیجه‌گیری

در سه دهه اخیر ترکیه سعی نموده هر نقشی را که ایران قبل از انقلاب در منطقه ایفاء می‌نمود را به سود خود عملیاتی بنماید. راهبرد سیاسی متعارض ایران و ترکیه که تا حد زیادی در ساختارهای سیاسی - ایدئولوژیک آنها ریشه دارد در نحوه نگاه آنها به جهان غرب نمود پیدا می‌کند. در حالی که دولت جمهوری اسلامی ایران در روابط

خود با جهان غرب تا حد زیادی تابع شعار ضد غربی بوده و ضمن داشتن تعارضات عمیق با آمریکا و برخی متحدان استراتژیک آن مثل اسرائیل، شاهد تنش‌های مستمر با دولت‌هایی اروپای غربی بوده است، برعکس دولت ترکیه در روابط خود با جهان غرب تا حد زیادی تابع رویکرد غرب گرایانه کمالیستی بوده و ضمن داشتن روابط نزدیک با آمریکا و حتی همراهان استراتژیک آن مثل اسرائیل، با جدیت تمام در پی عضویت در اتحادیه اروپا و شناخته شدن به عنوان یک کشور اروپایی بوده است. بنابراین فضای تقابل ژئوپلیتیک دو کشور با توجه به دو نگرش فوق نوعی تخصص ژئوپلیتیکی نرم را به خصوص در حوزه‌های بکر اقتصادی - سیاسی، برای دو کشور خلق نموده که منطقه شمال عراق از اهم میدان‌های منازعه می‌باشند. به طور کلی باید عنوان نمود با توجه به رویکرد سکولار لیبرال احزاب کرد عراق، این منطقه هم آوایی تجاری اقتصادی بیشتری با ترکیه سکولار و یا سکولار اسلامی دارد تا نگاه ایدئولوژی شیعه محور ایران و کنش موفق ترکیه در میدان‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری در کردستان عراق، این نگاه را به اثبات می‌رساند. بعد از تحولات اخیر جهان عرب، استراتژی ایجاد توازن ترکیه در خصوص تحولات منطقه تغییر کرده و ترکیه بطور فعال در صدد تقویت محور سنی در منطقه و نقش‌آفرینی در قالب آن برآمده است و این رویکرد ترکیه به ویژه در مورد بحران سوریه به خوبی قابل مشاهده می‌باشد. تخریب روابط ایران و ترکیه و شکاف بین این دو کشور منجر به نزدیکی هر چه بیشتر طرف ترک به اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس خواهد شد که نهایتاً به تقویت قطب سنی در منطقه خواهد انجامید و کاملاً به ضرر ایران و محور شیعی خواهد بود. بی شک ایران و ترکیه دو کشور مهم و تاثیرگذار در منطقه هستند. هر کدام مصالحی برای خود دارد و می‌خواهد نفوذ خود را در منطقه بیش از دیگری پیش ببرد. تقریباً در هر جایی که ایران حضور دارد، ترکیه نیز تلاش کرده حضوری از خود نشان دهد. اما همسایگی دو کشور و همچنین اشتراک در برخی از مصالح سبب شده است تا این رقابت کمتر رنگ و بوی تخصص و تنش به خود ببیند. یکی از جویان‌نگاه‌های مانور قدرت برای دو طرف در حال حاضر کردستان عراق است. ایران در کردستان عراق از لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نفوذ بسیاری دارد و ترکیه نیز اگر چه فقط در بعد اقتصادی موفق است اما تلاش می‌کند تا با نزدیکی به کردهای عراق و سکوت تاکتیکی در قبال خواست کردها و بارزانی مبنی بر همه پرسی استقلال، بر خرده میدان‌های کردی دیگر و میدان‌های کلان تر مانند ایران، تاثیر بگذارد.

حضور اقتصادی ترکیه در اقلیم کردستان عراق بسیار بالا است و روز به روز نیز افزایش می‌یابد و این همه در کنار نفوذ سیاسی ترکیه در کردستان عراق است. در عین حال دائماً هم کوه‌های قنديل را برای هدف قرار دادن مواضع شورشیان پ.ک.ک بمباران می‌کند که نه تنها با سکوت اقلیم کردستان همراه است بلکه حتی گفته می‌شود که در این بمباران سازمان امنیت کردستان نیز با ترک‌ها همکاری می‌کند. این همه در حالی است که روابط سنتی و تاریخی ای نیز میان ترکمن‌های عراق با ترکیه وجود دارد که همواره ابزاری برای نفوذ ترکیه در عراق بوده‌اند. اگر ترکیه استقلال و یا کنفدرالیسم را در عراق رد کند از یکپارچگی عراق حمایت قاطع می‌کند. این دقیقاً همان چیزی است که ایران نیز از آن حمایت می‌کند. اما در عین حال به دنبال یک ابزار سیاسی برای امتیازگیری نیز هست.

پناه دادن طارق الهاشمی در خاک خود و همچنین توافق به صادرات نفت عراق در حقیقت ابزاری است برای امتیازگیری هم از بغداد و هم از تمامی طرف‌های درگیر در عراق.

در عراق نوعی توازن در رقابت میان ایران و ترکیه مشاهده می‌شود. ترکیه از مصالح خاص خود که در حال حاضر در کردها و فهرست العراقیه و سنی‌ها متمرکز است، حمایت می‌کند و ایران نیز از تمامی جریان‌های شیعی اسلام گرا. این مساله باعث شده است تا توازنی در نفوذ ایرانی و ترکی در عراق به وجود آید. ترکیه خوب می‌داند که نمی‌تواند در هیچ حالتی نفوذ بی‌شمار ایران در عراق را نادیده بگیرد، از این زاویه رابطه ای عمیق میان دو طرف بر سر عراق به وجود آمده است. برای همین می‌توان گفت که حتی اگر دو طرف با یکدیگر هم اختلاف پیدا کنند اما در نهایت با هم درگیر نخواهند شد، چون می‌خواهند توازن را حفظ کنند و یکدیگر را هم درک کرده‌اند.

در شرایط کنونی، ترکیه با بهره‌گیری از محیط ناامن منطقه‌ای و متأثر از دکترین سیاست خارجی داود اوغلو، به سرعت در حال نفوذ در بازارهای منطقه و تبدیل شدن به بازیگر مسلط در اقتصاد و سیاست کشورهای محیط پیرامونی و جنبش‌های منطقه‌ای (سکولار و سلفی) اطراف ایران است. تبدیل شدن ترکیه به مهمترین قدرت در ژئواکونومی منطقه می‌تواند برای موقعیت ایران تهدیدات مهمی نیز در برداشته باشد، قدرتی که سابقه تاریخی آن و نیز سیاست‌گذاری‌های کنونی اش به روشنی نشان می‌دهد که اشتباهی فراوانی برای قدرت اقتصادی به نفوذ سیاسی و مسلط شدن بر کل منطقه دارد. از منظر سیاست‌گذاری نیز همانطور که ترکیه در سیاست‌های خود در خصوص کردستان عراق با راهبرد تحلیل مشخص از اوضاع مشخص رفتار می‌نماید توصیه می‌شود که نگاه شبه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در کردستان عراق تبدیل به یک نگاه واقع‌گرایانه در سیاست منطقه‌ای گردد، چرا که پیوستگی مناطق کردنشین، باعث می‌گردد، سیاست‌های منطقه‌ای ایران در نوار کردی با توجه به پیوستگی فرهنگی ایران با کردها تا دریای مدیترانه به منصفه ظهور برسد.

منابع

احمدی، حمید (۱۳۷۹). قوم‌گرایی، از افسانه تا واقعیت، تهران، نشر نی،
ازغندی، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه: چالش‌ها و فرصت‌ها، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. شماره ۶.

اطهری، سید اسدالله (۱۳۸۰). ارتش و اسلام گرایان ترکیه: دو نیروی اجتماعی در یک نظام، فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال هشتم، شماره ۲.

اطهری، سید اسدالله (۱۳۸۲). ایران و ترکیه: بازخوانی روابط دو کشور پس از جنگ سرد. راهبرد. شماره ۲۷.

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴). ژئوپلیتیک لوله‌ها در عرصه ژئواستراتژیک اوراسیا، ویژه‌نامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۲.

امیری، مهدی (۱۳۸۴). ارزیابی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در قرن بیستم، مجلس و پژوهش، سال ۱۳ شماره ۵۳.

اولسن، رابرت (۱۳۸۱). مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه، ترجمه ابراهیم یونسی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه سال نهم، ش ۳۱

- ۳۲

ایرنا (۱۳۸۷). "تصویب پیمان لیسبون" برگرفته از:

<http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100941559206>

- حافظ نیا، محمدرضا، قربانی نژاد، ریباز و جان پرور، محسن (۱۳۹۱). تحلیل ژئوپلیتیکی عوامل هم گرایی و واگرایی جهان اسلام، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره دوم، تابستان
- روشندل، جلیل (۱۳۷۷). پیمان امنیتی - نظامی ترکیه و اسرائیل، فصل نامه مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۲-۳. زارع، نجمه (۱۳۸۴). "ریکی-یک نظریه سیستم‌های پویا". برگرفته از: <http://www.cloob.com/club/article/show/clubname/iranreikicenter/articleid/795>
- سریع القلم، محمود (۱۳۷۶). نظام بین‌الملل و مساله صحرای عربی، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، عبدالله پور، محمدرضا (۱۳۹۰). تعارض ژئوپلیتیکی کردستان عراق با میدان‌های منطقه‌ای، جذب اسرائیل در میدان مغناطیسی کردستان عراق، فصلنامه مطالعات خاورمیانه
- _____ (بی تا). تحلیلی بر ابعاد کردی سیاست‌های سوری ترکیه در پایگاه خبری تحلیلی کردها در سایت: <http://www.kordha.ir>
- _____ و خانپور، حمیدرضا (۱۳۹۲). کردستان عراق از سرکوب تا حکومت دو فاکتو، انتشارات کلک سیمین، _____ و زیباکلام، صادق (۱۳۹۰). ژئو پلتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل، زمستان، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- _____ (۱۳۹۰). همگرایی کردها و شیعیان و تاثیر آن بر سیاستگذاری‌های امنیتی ج.ا.ایران در عراق، ۱۳۹۰، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- _____ و فیروزجائی، حسینعلی (۱۳۹۱). سازه‌های ژئوپلیتیکی در عراق نوین و چالش‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۶). بررسی تقابلات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در ترکیه در دو دهه اخیر. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲۱۹.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت
- کاظمی، احمد (۱۳۸۴). جریان‌های کردی در ترکیه، کتاب آسیا ۴ ویژه مسائل ترکیه. انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کاظمی، احمد (۱۳۸۴). تاثیر همگرایی ترکیه با اتحادیه اروپا بر ایران، کتابخانه دیجیتال دید
- کسرابی، محمد سالار (۱۳۷۶). اسلام گرایی در ترکیه، تهران مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- کمپ، جفری (۱۳۸۶). دشواری‌های اروپا در خاورمیانه، ترجمه خدیجه حیدری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۱۱۵.
- محمدیان، سهیلا (۱۳۸۴). پان ترکیسم و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران، کتاب آسیا ۴ ویژه مسائل ترکیه. انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). حقوق اساسی - نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران. تهران نشر همراه.
- ملکی، صادق (۱۳۸۳). روابط ایران و ترکیه ماه نامه، همشهری دیپلماتیک. شماره ۲۸، آبان.

Aram Rafaat, An Independent Kurdish State: Achievable or Merely a Kurdish Dream? R*
University of South Australia, The Journal of Social, Political and Economic Studies,
Volume 32, Number 3, Fall 2007

BBC (4 April, 28 Feb. 2006). [Www.bbc.co.uk /Persian /news/story/2006](http://www.bbc.co.uk/Persian/news/story/2006)

- Business as Usual between Turkey and Israel”, Hurriyet Daily News, June 30, 2011.-Gulden, Ayman, Regional Aspirations and Limits of Power-Turkish-Iranian Relations in the New Middle East
- Crisis Group Interview, October – November 2004, Tehran and Iraqi Kurdistan
- Crisis Group Interview, Baghdad, 6 October 2004, shokatbamarni, head of KDP office in Tehran
- Ciment, James (1996): the Kurds: state and minority in turkey, Iraq and Iran.USA-new York publisher: facts on file, 1996
- Dogan, e, (2003) Kurds wait for Turkish sea change, bbc.news available at: <http://news.bbc.co.uk>
- Galie, ales sander &yildies, Karim(2005). Development in Syria. a gender & minority perspective: great Britain: Kurdish human right project (khrp)
- Ghreeb, E, (1981) the Kurdish question in Iraq, Syracuse NY: Syracuse university Press
- Graham E.Fuller, the new Turkish republic turkey as a pivotal state in the muslim worlds, Washington, united states institutes of peace, 2007
- International Relations, Vol, 22, No1, march, pp:65-84, p.65.
- James glanz, g.i in Iraq -raid Iranian offices, new York times, January, 12, 2007
- KR imported around US 5.5\$ billion worth of goods from Turkey in 2011 making the province Turkey’s eighth-biggest export destination in Khouri Al Riad, “Kurds and Turks: Business as usual- For Now”, Haaretz, 29 July 2012. 41-Interview with AydınSelcen. Interview with AhmetDavutoğlu, AUC Cairo Review, Egypt, 2012. 12 March.
- Marianna, chrountaky, Turkish foreign policy & KRG, winter 2012, number4, pp. 185-208.
- McDowall, David (1998), the Kurds of Syria: London: khrp(Kurdish human right project)
- Michel M Günter &M Hakanyavuz “the continuing crisis in Iraqi Kurdistan, middle east policy, Washington (Spring 2005), vol.12, issue 1, 122-133[database on – line], available from pro quest, accessed 17 November 2005
- <http://www.nytimes.com/2007/01/12/world/middleeast/12raid.html>
- New agency irna.www. irna.ir, 30 April 2007)
- Olson, Robert (1996): the Kurdish nationalist movement in the 1990: USA. The University of Kentucky
- Peter church, the Kurds have no friends except mountain, weekly standard, 05/31/2006.,
- Peter church, the Kurds have no friends except mountain, weekly standard, 05/31/2006.,
- See dilip hiro, 1998, dictionary of the middle east.policy studies organization, pp170-1, 252-3 (The Kurdish quest for autonomy and Iraq’s statehood, Alexander dawoody, university of Texas, USA, Journal of Asian & African studies, 2006, 485)
- Robert Olson, turkey and Kurdistan – Iraq.2003. (The Kurds in Iraq), middle east policy spring 2004. vol.11.no 1.pp.115 - 120
- Robert, lowe&chatham house, the Syrian Kurds: A people Discovered, middle east program, 2006
- Stansfield, gareth (2005), makeup or breakup. posted on Kurdish media & Kurdistan observer, 7, march, 2005
- Stansfield, gareth.v 2003: Iraqi Kurdistan: political development and emergency democracy: London: routlgecurzen
- See diliphiro, dictionary of the middle east
- Saberi, Roxana: Iraqi Kurds split between Iran's & us, <http://news.bbc.co.uk/middleeast>. 10 may 2002

- Smith, AD, 1989, Nation: old & new: comments on Anthony d. smith the myth of the modern nation & myths of nations " ethnics & racial studies, 12, July 1989:3320 " ،
- Sean Kane, "The Coming Turkish-Iranian Competition in Iraq," Special Report, Washington, D.C.: United States Institute of Peace, June, 2011.
- Stephen Larrabee, F. Troubled Partnership: U.S.-Turkish Relations in an Era of Global Geopolitical Change, Santa Monica, Calif.: RAND Corporation, MG-2010.
- Sinan Ulgen, "Erdoğan's Kurdish Gambit," Project Syndicat, 2013.
- Sean Burges developed the concept of 'consensual hegemony' in which "the process of dialogue and interaction causes subordinate parties to appropriate and absorb the substance and requisites of the hegemony as their own. See, Sean Burges, "Consensual Hegemony: Simon Rogers, Gramsci's Political Thought An Introduction (London:Lawrence and Wishart, 1982), p.21.
- Theorizing the Practice of Brazilian Foreign Policy
- Vanly.I.C (1980) Kurdistan in Iraq, in G. ghaliand (ed.). people without country: the Kurds and Kurdistan, pp.193-203, Northampton, MA: Interlink Publishing Group



Iraqi Kurdistan micro field, interface area between Iran & turkey fields

Mohammad Reza Abdollahpoor*

Ph.D. student of Political Science, Dept. of Political Science & International, College of Law & Political Science, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Akhbari

Associate prof. Dept. of Geography, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Iran

Mohammad Karami rad

Ph.D. student in Defensive Politics & National Security, University of Emam Hossien, Tehran, Iran

Abstract

Turkey and Iran are two important and effective countries in the region that any of them have its own interests and are willing to advance its own influence in the region more than the other one. Almost Turkey has tried to present in the everywhere that Iran was there. In the past years, Turkey and Iran have a great geopolitical interactions and interface in the regional champs due to geopolitical necessities. Thus, comprehensively and completely examination of the relationships in the past years toward the surroundings and neighboring regions is impossible, without comprehensively and completely examination of the relationships between two countries. In fact, correct understanding of Iran's geopolitical policy necessities with Turkey needs the examination of Turkey's foreign geopolitical polarization necessities, for it is one of the most important neighbors of the country and also a great deal of Islamic Republic of Iran's capacity of foreign policy is allocated to this country. So, in consideration of the view, the geopolitical opposition atmosphere of two countries creates a kind of soft geopolitical hostility for the countries, particularly in intact political - economic areas and northern regions of Iraq are most important champs' contention. Therefore, this study, in addition of conceptualizing of the terms of *macro field* and *micro fields*, examines the challenges and interactions, negative and positive points facing the two geographical elements in the Kurdish regions and shows its theory, which is opposition in regional champs with geopolitical view.

Keywords: Iran, Turkey, geopolitical oppositions, regional champs.

Received Date: 30 September 2014

Accepted Date: 22 December 2014

* (Corresponding author) r.a.poor312@gmail.com